

آنان شده است و فقها آن را تفصیل داده‌اند و احتیاجی به تفصیل در اینجا نیست.

«وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُم مِّنَ الْغَالِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ» یعنی از خاک پاک تیمم کنید، و شرح آیه به طور تفصیل در سوره‌ی نساء گذشت پس احتیاجی به تکرار نیست.

«مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ» مفعول «پرید» محذوف است یعنی خداوند نمی‌خواهد امر به غسل و تیمم بکند تا بر شما در دین حرج قرار دهد یا لام «لیجعل» برای تقویت است و ما بعد آن مفعول است و آن استیناف است برای بیان وجه تشریح تیمم.

«وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ» ولیکن می‌خواهد با غسل باطنی با توبه نزد اهلش، و با غسل اعضای ظاهری به وسیله آب، شما را پاکیزه گرداند. پس اگر برای شما میسر نشد به سبب اظهار خواری و مسکنت و عجز و بلند کردن خاک ذلت بر مقادیم نفوس و ابدانتان (آنچه را که بر نفوس و بدنهایتان مقدم می‌باشد). و برای اینکه شما را برای قبول توبه و بیعت ولوی که آن تمام و کمال نعمت اسلام است، آماده کند. چنانکه گذشت.

«وَلَيْتُمْ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ» تا اینکه نعمت را که عبارت از اسلام است، به سبب متمم آن که ولایت و بیعت با علی (علیه السلام) است، بر شما تمام گرداند.

«لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» شاید پس از تمام شدن نعمت، شکر منعم را بجای آورید بدین گونه که نعمت را که عبارت از احکام قالبی اسلام و احکام قلبی ایمان است در وجه خودش صرف کنید که از حضرت عقل صادر شده است

و به او نیز بازگشت می‌کند، و البته که شکر نعمت و صرف آن در وجه خودش حاصل نمی‌شود مگر به سبب دخول ایمان در قلب و باز کردن در آن به سوی ملکوت.

«وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ» عطف بر «تَيَمَّمُوا» است یعنی در حین پاکیزگی تان به یاد آرید محمد ﷺ را یا اسلام را که آن بیعت با محمد ﷺ است یا اسلام را که با بیعت محمد ﷺ حاصل می‌شود تا اینکه شروط آن نعمت در یاد شما باشد که نباید مخالفت پیامبر کنید و باید پیرو فرمایشات او در هر چیزی که امر و نهی می‌کند، باشید. این معنی در صورتی است که مقصود از میثاق همان پیمانی باشد که در غدیر خم از آنها گرفته شد، ولی اگر مقصود بیعت با محمد ﷺ باشد مراد از نعمت اسلام می‌شود که به سبب بیعت حاصل شده است یا مراد محمد ﷺ است که او اصل نعمت اسلام است چنانکه علیؓ اصل نعمت ایمان است.

«وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ» آن عهد و پیمان محکمی را که در مورد علیؓ در غدیر خم با شما بست فراموش نکنید، و با علیؓ مخالفت نورزید، یا مقصود این است که عهد و وثیق و محکم بستید که مخالفت قول پیامبر نکنید تا فراموش نکنید و به قول او در باره‌ی علیؓ مخالفت نورزید. معنی اوّل (مخالفت با عهد) روایت شده است.

«إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا» هنگامی که گفتید قول تو را در باره‌ی علیؓ شنیدیم، این مفهوم بنابر معنی اوّل است، ولی بنابر معنی دوّم این است که شرطی که با ما کرده بودی که مخالفت نکنیم، شنیدیم.

«وَأَطَعْنَا» علیؓ و یا تو را اطاعت کردیم.

«وَأَتَّقُوا اللَّهَ» در مورد فراموش کردن نعمت و نقض پیمان او به سبب مخالفت با علی علیه السلام، از خدا بترسید.

«إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» که خدایت‌ها و غرض‌های شما را می‌داند تا چه برسد به کارهای شما.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ» سفارش به ایمان آوردندگان است که مستقیم باشند و دیگران را نیز از کجی در آورد چنانکه در مورد گواهی دادن مشروحاً بیان شد. به خصوص آن وقت که محمد صلی الله علیه و آله به حفظ و حمل شهادت و حین ادای شهادت توصیه و سفارش می‌کند خصوصاً وقتی که علی علیه السلام از آنها گواهی می‌طلبد، چون مقصود همین است.

«وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ» یعنی دشمنی شما با گروهی، یا دشمنی گروهی با شما.

«عَلَىٰ آلَا تَعْدِلُوا» موجب نشود تا در ادای شهادت عدالت نکنید به اینکه آن را تغییر دهید یا کتمان کنید از جهت ترس از مخالفین علی علیه السلام یا از جهت کینه با موافقین علی علیه السلام.

«أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ» در شهادت از خدا بترسید و آن را کتمان نکنید و تغییر ندهید.

«إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» که خدا به آنچه عمل می‌کنید آگاه است و بر حسب عملتان به شما جزا می‌دهد.

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» جمله در محلّ مفعول برای «وَعَدَ» است، زیرا آن به معنی قول است، مقصود از ایمان آن حالتی است که بیعت با محمد صلی الله علیه و آله حاصل شده باشد، و

مقصود از عمل صالح بیعت با علی علیه السلام است، یا اینکه مقصود از ایمان بیعت با علی علیه السلام است و مقصود از عمل صالح عمل کردن بر طبق بیعت است.
 «وَالَّذِينَ كَفَرُوا» و کسانی که به بیعت علی علیه السلام کافر شدند یا به بیعت

محمد صلی الله علیه و آله

«وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا» و اصل آن آیات را که علی علیه السلام است، تکذیب کردند.

«أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْأَحْزِمِ» آنان اهل دوزخند، در این دو آیه بین وعده و وعید جمع کرد چنانکه آن شأن خداست و برای اشاره به این که مغفرت و اجر برای مؤمن مستقیم و مقصود بالذات است، و جزای بدکار مقصود بالعرض است اسلوب را تغییر داد و جمله‌ی اسمیه آورد تا دلالت بر این بکند که جزا برای بدکاران گویا که از لوازم ذات بدکار آنهاست.

آیات ۱۱-۲۰

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ
 أَن يَسْطُورَ إِلَيْكُمْ أَيْدِيهِمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى
 اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۱) وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ
 وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ
 الصَّلَاةَ وَءَاتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَءَامَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ
 اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّا أَكْفِرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَا دُخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ
 تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ

السَّبِيلِ (١٢) فَبَا نَقْضِهِمْ مِّيثَقَهُمْ لَعْنَهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا بِهِى وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَالِنَةٍ مِّنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَأَصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (١٣) وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرَى أَخَذْنَا مِيثَقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا بِهِى فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (١٤) يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ (١٥) يَهْدَى بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِى وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (١٦) لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ مَن يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَن يُهْلِكَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَأُمَّهُو وَمَن فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (١٧) وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبُّوهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (١٨) يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فَتْرَةٍ مِّنَ الرُّسُلِ أَن تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (١٩) وَإِذْ قَالَ

مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَاقُومُ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ اِذْ جَعَلَكُمْ
 اُمْنِيًّا وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُوْتِ اَحَدًا مِّنْ
 الْعَالَمِينَ (۲۰)

ترجمه

ای مؤمنان نعمت الهی را بر خود به یاد آورید که چون قومی کوشید که بر شما دست دراز کند، دستشان را از شما باز داشت؛ و از خداوند پروا کنید و مؤمنان باید که بر خدا توکل کنند. و خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفت و از میان آنان دوازده سالار برگماشتیم؛ و خداوند گفت من با شما هستم؛ اگر نماز بر پا داشتید و زکات پرداختید و به پیامبران من ایمان آوردید و آنان را گرامی داشتید و در راه خدا قرض الحسنه دادید، سیئات شما را می‌زدایم و شما را به بوستانهایی که جویباران از فرو دست آن جاری است، در می‌آورم؛ اما اگر پس از این، هر کس از شما کفر ورزد، به راستی که از راه راست گمراه شده است. آنگاه به سبب پیمان شکنیشان لعنتشان کردیم، و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم [به طوری] که کلمات [کتاب] را از مواضع خود تحریف می‌کردند و بخشی از آنچه به آن ایشان را پند داده بودند، فراموش کردند؛ و پیوسته به خیانت آنان پی می‌بری، مگر عده‌ی اندکی از آنان؛ پس آنان را [ببخش و] بگذار و بگذر که خداوند نیکوکاران را دوست دارد. و از کسانی که گفتند ما مسیحی هستیم پیمان گرفتیم، آنگاه بخشی از آنچه به آن ایشان را پند داده بودند، فراموش کردند، پس بین ایشان، تا روز قیامت دشمنی و کینه انداختیم؛ و خداوند به زودی آنان را [از نتیجه‌ی] آنچه می‌کردند، آگاه می‌سازد. ای اهل کتاب پیامبر ما به سوی شما آمده است، که بسیاری از آنچه از کتاب آسمانی پنهان می‌داشتید، برای شما روشن سازد و از بسیاری [خطاهای شما] در می‌گذرد؛ آری نور و کتابی روشن‌گر از جانب خداوند به سوی شما آمده است. که خداوند در پرتو آن، کسانی را که از رضای او پیروی می‌کنند به راههای امن و عافیت رهنمون می‌گردد، و آنان را به توفیق خویش از تاریکیها به سوی روشنایی باز می‌برد و

به راه راست هدایتشان می‌کند. به راستی کسانی که می‌گویند خداوند همان مسیح بن مریم است، کافر شده‌اند؛ بگو اگر خداوند بخواهد مسیح بن مریم و مادرش و اهل زمین، همه را نابود کند، چه کسی می‌تواند او را باز دارد؛ و فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست از آن خداوند است؛ که هر چه بخواهد می‌آفریند؛ و خدا بر هر کاری تواناست. و یهودیان و مسیحیان گفتند ما پسران خدا و دوستان او هستیم؛ بگو پس چرا شما را به خاطر گناهانتان عذاب می‌کند؛ آری شما هم انسانهایی هستید از همان دست که آفریده است؛ هر کس را که بخواهد می‌آمزد و هر کس را که بخواهد عذاب می‌کند؛ و فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست از آن خداوند است؛ و سیر بازگشت به سوی اوست. ای اهل کتاب پیامبر ما به سوی شما آمده است که پس از عصر [انقطاع وحی و] فترت پیامبران [احکام او را] برای شما روشن می‌سازد؛ تا مگویید که نه [پیامبر] مژده آور و نه هشدار دهنده‌ای به سوی ما آمد؛ آری [پیامبر] مژده آور و هشدار دهنده‌ای به سوی شما آمد؛ و خداوند بر هر کاری تواناست. و چنین بود که موسی به قومش گفت ای قوم من، نعمت خدا را بر خود به یاد آورید که در میان شما پیامبرانی برانگیخت و [بعضی از] شما را فرمانروا ساخت، و به شما چیزهایی بخشید که به هیچ کس از جهانیان نداده است.

تفسیر

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ» ای مؤمنان نعمتی را که خدا به سبب اسلام به شما داد از قبیل مدد ملائکه و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدید، یا قدرت علیؑ و شمشیرش، را به یاد آرید. «إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَن يَسْطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ» بدل از «نعمه الله» با ظرف آن است باعتبار کلمه «نعمه الله» یعنی همان نعمتی را که در مکه قبل از هجرت، یا در بدر، یا در احد، یا در خندق، به شما دادیم که دستهایشان را جهت ستم بر شما گشودند.

«فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ» به سبب اسلام شما، یا به سبب علیؑ خدا دستهایشان را از شما کوتاه کرد پس بیاد آورید شرف اسلام را تا اینکه با ترك قول محمد ﷺ درباره ی علیؑ با او مخالفت نورزید یا اینکه شأن علیؑ را بیاد آرید پس بعد از وفات محمد ﷺ با او مخالفت نکنید.

«وَأَتَّقُوا اللَّهَ» و در نسیان نعمت و مخالفت با علیؑ از خدا بترسید، و از غیر او نترسید.

«وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» پس مؤمنان اعتماد بر غیر خدا نکنند، و جز او نترسند آوردن اسم ظاهر جای ضمیر به جهت التفات از خطاب^۱ به غیبت است تا بیان چیزی باشد که توکل به او است.

«وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ» کنایه از امت محمد ﷺ است از جهت پیمان گرفتن از آنها برای بزرگ و مهمترشان که علیؑ است.
«وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا» و دوازده بزرگ و پیشوا از آنها برانگیختیم.

«وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ» و خدا گفت من هر کاری را که انجام می دهید، مشاهده می کنم.

«لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ» اگر به سبب وصل آن به بزرگان و ائمهٔ اطهار نمازتان اقامه گردد.

«وَأَتَيْتُمُ الزَّكَاةَ» و اگر از هر چیزی حتی از میل قوایتان به مخالفت از فرمانبرداری آن بزرگواران علیؑ خود را تزکیه سازید.

۱- می توان گفت: و علی الله توكلوا. ولی به خاطر اینکه موضوع توکل و علت آن معلوم گردد اسم ظاهر مؤمنون و فعل یتوكلوا که مضارع غایب است، آمده است.

«وَأَمَنْتُمْ بِرُسُلِي» و به پیامبرانم ایمان آرید. رسولانی که نقباء عَلَيْهِمُ السَّلَام از آنهاست.

«وَعَزَّزْتُمُوهُمْ» و آنان را یاری و تقویت کند.

«وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا» و قرض نیکو بپردازید از اصل مال به سبب اتفاق کردن آن در راه خدا و از اصل قوا به اینکه به وسیله عبادات و ریاضت آن را تضعیف کنید، چون زکات زیادی مال است که حق غیر است، و قرض از اصل مال است.

«لَا كُفْرَنَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ» به سبب زکات دادن شما و قرض دادن شما، بدیهای شما را البته می پوشانم.

«وَلَا دُخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» و به سبب نماز و ایمان و یاری، شما را در بهشت‌هایی که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد می کنم.

«فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ» و هر که بعد از پیمان و عهده‌ی که با نقباء (بزرگان) بسته و وعده‌ی بر آن داده، باز کفر بورزد.

«مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ» از راه راست گمراه شده است، پس بیاد آورید ای امت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و به عهده‌ی که با علی بستید، وفا کنید و بعد از پیمان و عهد کافر نشوید.

«فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ» به علت شکستن پیمان لعنتشان کردیم، پس شما پیمان خود را به یاد آورید و آن را نقض نکنید.

«وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً» و آنها را سخت دل قرار دادیم به نحوی که موعظه در آنها اثر نمی کرد.

«يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ» حال است یا جواب سؤال مقدر، کلمات را از معنی خود منحرف می سازند، چنانکه شما نیز ای امت محمد ﷺ به زودی کلمات را تحریف خواهید کرد آن هم تأویلات رسوائی، تاکسی را که عقل ندارد، فریب دهید. (الحق هم که اکثر آنها لا یقولون بودند، فریب خوردند و از ولایت علیؑ بیرون رفتند).

«وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ» و بهره ی خود را از پیمان و وعده ی بر آن فراموش کردند، این سخن عطف است بر «یحرّفون» و اختلافی که در ماضی و مضارع است برای اشاره به این مطلب است که امر دوم به سبب استمرار آنان بر امر اول (تحریف) واقع گردید.

«وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَالِنَةٍ مِنْهُمْ» و تو همیشه به گروه خائنان آگاهی، خیانت به واسطه ی پیمان شکنی است که آن اصل خیانت هاست، چنانکه وفای به آن اصل وفای به امانت هاست. و «خائنه» مصدر یا وصف است به معنی گروه خیانتکار، یا شخص خائن-بنابر اینکه «تاء» برای مبالغه باشد.

«إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ» استثنا از مفهوم است گویا گفته است: همه ی آنان خیانتکارند جز اندکی از آنها، و احتمال دارد که استثنا از «قلوبهم» یا از مضاف الیه در «قلوبهم» باشد، یا از فاعل «یحرّفون» یا از فاعل «نسوا». و ممکن است «الّا» به معنی «غیر» باشد صفت «خائنة منهم» و محتمل است که کلام را از بیان حال بنی اسرائیل برگردانده و بیان حال منافقین امت باشد، و لذا محمد ﷺ را مخاطب قرار داد، و ممکن است که مقصود بیان حال بنی اسرائیل باشد و کنایه باشد از امت چنانکه طریقه ی همه ی قصّه ها و حکایت ها همین است.

«فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ» آوردن ضمیر جمع «هم» معنی اوّل را

تأیید می‌کند که منظور گروه خائن‌ان باشد، اما عفو ترك انتقام و صفح ترك یاد آوری بدیها و خارج ساختن آن از قلب است، گاهی هر يك در معنی دیگری و هر يك در هر دو معنی استعمال می‌شود. و منظور این است در عفو و صفح توقّف نکن بلکه به آنها احسان بکن که «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» خدا نیکوکاران را دوست دارند.

«وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرِي» در این آیه نفرمود: «و من النصاری» (از نصارا) بلکه گفت آنها گفتند نصارا هستیم زیرا که نصرانیّت به سبب بیعت با جانشینان عیسی عليه السلام حاصل می‌شود و اینان نصرانیّت را به خود بستند نه اینکه واقعاً بر نصرانیّت بیعت کرده باشند.

«أَخَذْنَا مِيثَقَهُمْ» پس از بیان حال یهود حال نصاری را بیان کرد تا کنایه از امت محمد صلی الله علیه و آله باشد یعنی از گذشتگان‌شان برای جانشینان عیسی عليه السلام، پیمان گرفتیم.

«فَنَسُوا» پس آنان نیز مانند یهود فراموش کردند.
 «حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ» پس نسیان سبب اختلاف‌شان شد.
 «فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ» به سبب آن افعال دشمنی بینشان رخ داد.

«وَالْبُغْضَاءَ» و به سبب آن دلهای پر کینه، همین خواری آنها در دنیا بود.

«إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» که تا آخرت ادامه دارد، بزودی خدا به آنها خبر می‌دهد، و به همان عذاب‌شان می‌کند، پس ای امت محمد صلی الله علیه و آله بر حذر باشید که مثل آنها شوید در اینکه پیمان